

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

برای کشف اقیانوسهای جدید، باید شهامت ترک ساحل آرام خود را داشته باشید. این جهان، جهان تغییر است، نه تقدیر. (لئو تولستوی)



در تاریخ پر از فراز و نشیب جنبش آزادیخواهی مردم ایران رویدادهایی وجود دارد که به نقطه عطف تاریخی تبدیل شده و مَهر خود را بر یک دوره تاریخی زده است. یکی از این رویدادها رستاخیز و حماسه سیاهکل است که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله یک دسته پارتیزان به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در استان گیلان مشعلی پرفروغ را در شب تیره و سیاه دیکتاتوری شاه برافروخت. آتشی که در سیاهکل برپا شد، نابودی ستم، استبداد و استثمار را نوید داد و دیری نپایید که برجسته ترین، انقلابی ترین و صادق ترین زنان و مردان ایران قدم در راهی

گذاشتند که با حماسه سیاهکل آغاز شده بود. آنان که جان برکف و بن بست شکن، شکافی جدی در حصار اختناق ایجاد کرده و با درهم شکستن قدرت مطلق دیکتاتوری شاه، آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید دادند، ایمان داشتند که دیکتاتوری شاه سرانجام به دست توانای مردم ایران سرنگون خواهد شد.

با حماسه سیاهکل و تولد چریکهای فدایی خلق ایران، شور رهایی زیر سلطه جابرانه دیکتاتوری چنان ابعاد گسترده ای پیدا کرد که مهار آن دیگر از کنترل ساواک شاه خارج شد. مدتی کوتاه پس از رستاخیز سیاهکل، هنگامی که ساواک به سازمان مجاهدین خلق ایران در شهریور ۱۳۵۰ ضربه وارد کرد، معلوم شد که راه مبارزه مسلحانه به وسیله سازمانهای انقلابی دیگر نیز پیموده می شود. رژیم شاه در واکنش به عملیات سیاهکل، به سرکوب گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن در جنگلهای گیلان به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، اسماعیل معینی عراقی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

از حماسه سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تا انقلاب ضد سلطنتی در بهمن ۱۳۵۷، برای تاریخ یک کشور دوران کوتاهی است. اما در همین دوران کوتاه با قطب بندی سیاسی که رستاخیز سیاهکل و مبارزه مسلحانه پس از آن ایجاد کرد و با پیوستن صدها رزمنده راه آزادی به جنبش مسلحانه و با حمایت گسترده ای که این جنبش ابتدا از جانب دانشجویان، روشنفکران، شاعران، هنرمندان و پس

از آن از جانب کارگران آگاه به دست آورد، سرانجام مردم ایران در یک قیام بزرگ توده ای، تاریخ را ورق زدند و رژیم پهلوی را به بایگانی آن سپردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و هشتمین سال حیات خود خاطره همه ی زنان و مردان جنبش پیشتاز فدایی که طی چهل و هفت سال گذشته در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

هموطنان!

بر اساس همه ارزیابیها و تحقیقات بیطرفانه و غیرمغرضانه ای که تا کنون صورت گرفته، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از زمستان ۱۳۴۹ تا زمستان ۱۳۵۷ به طور پایه ای تحت تاثیر حماسه سیاهکل و مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر پس از آن بوده است. هم از این رو بود که شاه همواره در سودای نابودی چریکهای فدایی دستور وحشیانه ترین سرکوبیها را به مزدوران اش می داد. اما هر تلاش ساواک شاه علیرغم ضرباتی که بر پیکر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وارد می شد ناکام می ماند.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

این چنین بود که پیام رستاخیز سیاهکل را هم شاه دریافت کرد و هم با استقبال پرشور آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، روبرو شد و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی ۸ سال مبارزه انقلابی و با پرداخت هزینه های سنگین در مبارزه بی امان با ساواک شاه، توانست پا برجا بماند و با وجود کمبودها و اشتباهاتش به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرا روید. بیهوده نیست که عافیت جوانان و فرصت طلبانی که در دوران دیکتاتوری شاه از خط مشی سکوت و بی عملی پیروی می کردند، بیش از نظریه پردازان و قلم بمزدان دوران شاه به سیاهکل و جنبش فدایی می تازند. گزافه گوین دست پرورده آموزشهای خمینی از جوهر و درون مایه حماسه سیاهکل که در دوران حکومت ننگین جمهوری اسلامی بارها خود را در خیزشها و رویشها و قیامهای توده ای نشان داد، می ترسند.

چند ماه پس از حماسه سیاهکل، خمینی جلاد علیه این رویداد سترگ موضع گرفت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل..»

موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۷-۴۸۶)

چگونه «آفتابکاران جنگل» تکثیر شد؟

۸ سال پس از رستاخیز سیاهکل، مردم ایران در یک انقلاب بزرگ در بهمن ۱۳۵۷، دیکتاتوری سلطنتی را سرنگون کردند. گرچه به علت سرکوب گسترده نیروهای انقلابی و ترقی خواه و در فقدان موثر و تعیین کننده این نیروها، جریان ارتجاعی خمینی توانست بر اریکه قدرت سوار شود، اما مبارزه مردم ایران برای آزادی و رهایی خاموش نشد و از همان آغاز و به طور متناوب ایران شاهد جنبشها، خیزشها و قیامهای کوچک و بزرگی شد که تازه ترین نمونه آن خیزش محرومان و تهیدستان در دی ماه سال جاری بود که فصلی تازه در تاریخ مبارزات مردم ایران گشود. بدین سان است که «آفتابکاران جنگل» تکثیر می شود.

روز پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۶، جنبش اعتراضی تهیدستان و محرومان در برخی از شهرهای استان خراسان رضوی به ویژه در کلان شهر مشهد با شعار «نه به گرانی»، «مرگ بر روحانی، مرگ بر دیکتاتور» و ... شروع شد و به سرعت سراسر ایران را درنوردید. مردم جان به لب آمده یک بار دیگر نشان دادند که نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. یک روز بعد، فرودستان در شهرهای اصفهان، کرمانشاه، همدان، قم، ساری، اهواز، قوچان، قائمشهر، قزوین، رشت، زاهدان و ... با شعارهای رادیکال علیه تمامیت نظام ولایت فقیه قیام کردند. حکومت درصدد برآمد تا در روز شنبه ۹ دی ۱۳۹۶، معرکه گیری حکومتی ۹ دی ۱۳۸۸ را با پول و زور تکرار کند که با شکست مفتضحانه روبرو شد. در مقابل، مردم محروم در بیش از ده شهر و شهرستان با خیزش پرتوان خود بساط نمایشات حکومتی را درهم ریختند. در تهران دانشجویان و مردم سرکوب شده فریاد زدند «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تموم ماجرا». خیزش محرومان و اردوی بیشماران با شعار «اسلام را پله کردین، مردم را ذله کردین» و «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» اعلام کرد که حکومت دینی، استبداد مذهبی و جمهوری اسلامی را بر نمی تابد.

حکومت از سر استیصال و ترس از فرا گیر شدن بیش از پیش خیزش مجبور به گند کردن اینترنت و فیلترینگ تلگرام و اینستاگرام شد.

روز یکشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۶، خیزش گرسنگان اوج گرفت. مردم در بیش از ۵۰ شهر و شهرستان با گامهای استوار و فریاد «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای» خیابانها را تسخیر کردند. روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۶، در پنجمین روز قیام سراسری، در دهها شهر ارتش بیشماران بار دیگر قدرت خود را به صاحبان قدرت و ثروت نشان داد.

شهرهای ایلام، لاهیجان، سبزوار، سنندج، مسجد سلیمان، کرج، نهاوند، تهران، جهرم، نجف آباد، قزوین، همدان، خرم آباد، کنگاور، ماهشهر، کرمانشاه، اهواز، فولادشهر، ارومیه، آبادان، شادگان، شاهین شهر، ورامین؛ کهریزسنگ (در منطقه نجف آباد)، قهدریجان و به دست هیچ بودگان فتح شد. همزمان با تسخیر خیابانها، دیوارهای شهرهای ایران با شعارهای ضد حکومتی، سخنگوی تهی دستان برای نان، کار، آزادی شد.

رژه تهیدستان، خامنه ای را هرچه بیشتر در تنگنا قرار داد و در این نقطه حساس اصلاح طلبان قلبی و رانده شده از قدرت، برای درهم شکستن قیام محرومان به صف شدند تا راه سرکوب

زحمتکشان را هموار کنند. اینان با مارک «اغتشاشگر و خرابکار» جواز سرکوب مردم بپاخاسته را صادر کردند.

در ششمین روز قیام گرسنگان و محرومان دهها نقطه در سراسر ایران به شورش علیه فقر و بندگی دست زدند. در همین روز خامنه ای در صحبتی کوتاه از «اتحاد دشمنان جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی» صحبت کرد و به این حقیقت اعتراف کرد که محرومان و تهیدستان که برآشوبیده اند، «دشمنان» او و ولایت ننگین اش هستند.

در روز چهارشنبه ۱۳ دی، خامنه ای تلاش کرد تا یک بار دیگر با به راه انداختن معرکه حکومتی، قدرت متقابل خیابانی جعل کند. اما این نمایش نیز با بی آبرویی و شکست روبرو شد. زنان و مردان دلیر در شهرهای تهران، زرین شهر و جوق آباد در حومه اصفهان، ملایر، مریوان، دهلران، خرم آباد، اهواز، کازرون و ... با مشت‌های گره کرده و شعارهای کوبنده، معرکه پاسدار ساخته را رسوا و به هیچ بدل کردند.

روز پنجشنبه ۱۴ دی، در هشتمین روز خروش زحمتکشان، مراسم خاکسپاری شهدای درود با شور و شکوه برگزار شد و باوجود فضای نظامی و امنیتی، در چندین شهر و از جمله در بوکان، تهران، ارومیه، سنندج، الیگودرز، شیراز، رشت و ... مردم به اشکال مختلف دست به تجمع اعتراضی زدند. در روز جمعه ۱۵ دی، روضه خوانها در نماز جمعه شهرهای مختلف، مردم برآشوبیده را به خفه کردن و به دار کشیدن تهدید کردند. روز جمعه ۲۲ دی، یک گزافه گوی مفتخور در نماز جمعه تهران، مردم بپاخاسته را «آشغال» نامید.

در حالی که از ابعاد حرکت‌های اعتراضی کاسته شده، در روز شنبه ۱۶ دی، خبر خیزش بندر ماهشهر به طور وسیع در شبکه های اجتماعی و برخی از رسانه های تصویری پوشش داده شد. همزمان تحصن شبانه در مقابل زندان اوین که از چند روز پیش آغاز شده بود، ادامه یافت. جلسه شورای امنیت ملل متحد پیرامون سرکوب جنبش اعتراضی مردم ایران به علت موضع روسیه و چین بدون نتیجه پایان یافت. اما خروجی طرح مساله خیزش سراسری مردم ایران در شورای امنیت به زیان رژیم و به سود مردم سرکوب شده رقم خورد.

از شروع جنبش اعتراضی، جنایتکاران حاکم تعدادی از جوانان معترض را در زیر شکنجه به شهادت رساندند که تاکنون نام ۱۴ تن از آنان آشکار شده است. همچنین در جریان سرکوب اعتراضات خیابانی، چند ده نفر به وسیله نیروهای سرکوبگر حکومت مورد تهاجم مستقیم قرار گرفته و به شهادت رسیده اند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای خیزش دی ماه، به خانواده های آنان و به همه آزادیخواهان تسلیت گفته و با بازماندگان شهدا اظهار همدردی می کند.

ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه بازداشت شدگان اعتراضات اخیر هستیم.

خروش دی ماه و مواضع ما

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روز یکشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۶ طی یک بیانیه توضیحی تحلیل و مواضع خود «پیرامون قیام سرنوشت ساز کارگران، تهیدستان و مردم آزادیخواه» را منتشر کرد. در این بیانیه ما اعلام کردیم که: «خیزش اردوی بیشماران نه غافلگیرانه بود و نه فاقد زمینه های عینی و مادی. پس از مهار قیام پرشکوه ۶ دی ۱۳۸۸ (روز عاشورا)، خامنه ای و پاسداران ولایت ننگین او به خوبی می دانستند که باد کاشته و روزی توفان درو خواهند کرد. آنها کابوس «فتنه» جدید می دیدند و برای جلوگیری از بروز این توفان به وحشیانه ترین و سبعانه ترین شیوه ها در سرکوبی کارگران، زحمتکشانشان، معلمان، پرستاران، دهقانان، دانشجویان، بازنشستگان، ارتش بیکاران، غارت شدگان، زنان، مدافعان محیط زیست، دستفروشان، کولبران و ... متوسل شدند. اما در این دوره هشت ساله نتوانستند حرکتهای روزمره مردم را مهار کنند. سازمان ما در این فاصله بیش از ۱۰ هزار حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و جنبشهای مدنی را روزانه، هفتگی و ماهانه در رسانه های خود (نبردخلق، رادیو پیشگام، جنگ خبر و ...) بازتاب داده است و بالاخره همبستگی و اتحاد مردم در کمک به مردم زلزله زده استان کرمانشاه که در بی اعتمادی مطلق از حاکمیت و مستقل از آن صورت گرفت، زنگها را به صدا درآورد.»

شرایطی مادی که بر بستر آن خیزش بی چیزان و تحقیرشدگان شکل گرفت را «ما در ارزیابیها و تحلیلهای درونی و بیرونی خود به عنوان «بحران غیرقانونی» و یا «بحران انقلابی» می دانستیم و تمام فعالیت تبلیغی و ترویجی ما پیرامون همین مساله متمرکز بود که اکنون با برافراشته شدن پرچم قیام، درستی آن اثبات گردید.»

در بخش آخر بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر اساس مصوبات خود اعلام کرد که: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراها، هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

و بالاخره نتیجه گرفتیم که در شرایط کنونی «مهمترین و مبرم ترین مساله ایجاد شوراها و کمیته های هماهنگی قیام به منظور انجام یک اعتصاب عمومی و قیام سراسری نهایی است. برای این منظور ما تمامی نیروها و گردانهای خیزش را به اتحاد و همبستگی فرامی خوانیم.»

خامنه ای و ایادی او با بسیج بی سابقه نیروهای سرکوبی و با کشتارهای ددمنشانه و بازداشتهای چندین هزار نفره و با استفاده از بی عملی و سازشکاری جامعه جهانی، توانسته اند حرکتهای توده ای گسترده را به طور موقت مهار کنند. اما نه در شرایط و بحران انقلابی تعدیلی صورت گرفته و نه در وضعیت انفجاری جامعه تغییری حاصل شده. در ماه دی امسال افزون بر خیزشهای بیشماران، ما شاهد صدها شکل از حرکتهای اعتراضی همچون اعتصاب، تجمع، شعارنویسی، تحصن و ... بوده ایم.

نارضایتی و تنفر از حاکمیت در زیر پوست شهرها همچنان می جوشد و تردیدی نیست که انقلاب نمرده و دیر نیست روزی که «زنگ خون به صدا» درآید و «توفان شکوفه» دهد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و هشتمین سال تولد خود با ابراز خرسندی از رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان، همچنان به مبارزه تا رسیدن به دنیایی عاری از ستم، تبعیض و استثمار و برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت ادامه می دهد.

خواست اولیه و مقدم مردم ایران، سرنگونی رژیم استبداد مذهبی حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی است.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می خواهیم که: کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت شناسند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دمکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۶ - ۳ فوریه ۲۰۱۸